

# توضیح

(در پیرامون مقاله محمد صادق ابراهیمی پيشوای ازليه)

فرزانه پاكنهاده جناب آقاي دكتور وحيدنيا

ناگزير كرديدم كه توجه آن جناب را به نكات زير معطوف  
دارد .

اين ناچيز درسي و دو آئين و كيش و مسلك بالاخص تصوف اسلامي و  
علما و عملا در طي چهل سال رنج تحقيق را بر خود هموار ساختم و ضمناً  
نمونه خط و عكس رهبران اقليتهای مذهبي را از دير ايام گرد آورده تا از  
جهت علم قیافه شناسی و خط شناسی كمك و مؤيد نظرات استنباطی خود  
ارائه دهد .

يك محقق در مورد مذهب بهائی ملزم بر آنست كه در دين بایيه و سپس  
شيخيه تتبع و كاوش نموده و آن زمان در پی آن بر آید كه شيخ احسائي قبل  
از ارائه مكتب خود چه رويه و اعتقادی داشته و علت تحول فكري وی را  
دریابد و اصطلاح جسد هورقليائی و ديگر اصطلاحات خاصه شيخيه را دریافت  
نموده و زآن پس ریشه تاريخی اين كلمات را جستجو نموده كه آيا بيمينه

بکار برده با بسلیقه خود تغییراتی در آن داده است این گفتار نمونه کوچکی از رویه پژوهشی در فرق اسلامی است.

این ناچیز چهار سال متوالی نزد محمد صادق ابراهیمی فقه بایبه و کتب خطسی و چاپی سید باب و دیگر بزرگان این فرقه را تلمذ نمودم .

(ازلیها کلیه آثار سید محمد علی باب حتی مکاتباتش را بیان مینامند ضمناً سید کتابی بنام بیان دارد که به پایان نرسانیده و پس از وی صبح ازل دست بتألیفی زد که بنام متمم بیان بیچاپ رسید)

ابراهیمی قاضی بازنشسته دادگستری سالیان دراز در قلهک خیابان دولت کوچه شیراز سکونت داشت (این منزل ابتیاعی ابراهیمی بود بایبه خرید و فروش زمین و آبراهرام دانسته و برای خرید خانه بعنوان حق تصرف توجیهی بیان داشته که عملاً همان معامله بیع انجام میگردد) و اکثر بزرگان این فرقه رادر منزل ایشان ملاقات نموده که از ذکر نامشان خودداری مینماید حتی بیاد دارم جشن تولد صدمین سال باب (نقطه اولی) در منزل ابراهیمی برپا شد راجع به انتساب ایشان بخاندان ابراهیمی با دوست دانشمندم آقای عبدالرضا خان ابراهیمی (سرکار آقا) بزرگ خاندان ابراهیمی مکاتبه نموده وطی نامه مورخه اول ذی قعدة ۱۳۷۲ مرقوم داشته اند (اینکه سؤال نموده بودید محمد صادق ابراهیمی بستگی با ما داشته بلی داشته و ازلی شده بود جائیکه پسر حضرت نوح آنطور بود چه توقعی است که در خانواده بیست هزار نفری از این پیدا نشوند...) در مورد مندرجات نامه ابراهیمی که در مهنامه شماره ۱۱۸ ارزنده وحید بیچاپ رسید بایستی برمشان برساند که اصل نامه درش صفحه و پاسخ هفت پرسش است و قسمتی از آن که مربوط به بحث مورد نظر بود بدون کم و کاست قبلاً نقل قول گردید اینک فتوکپی هرشش صفحه بانضمام فتوکپی یکی دیگر از نامهها در دو صفحه که متضمن مطالبی در مورد اماکن مقدسه و بزرگان اولیه بایبه که در تاریخ ۲۲/۱۲/۴۰ انشاد گردیده است بضمیمه تقدیم

میدارد .

روزی در یکی از جلسات ملاقات با ابراهیمی دو تن از خویشاوندان نزدیکم که هر دو تن از نویسندگان با سابقه کشور هستند از جهت انتساب و خویشاوندی نزدیک باین بيمقدار بعنوان شهوداز معرفی آنان خودداری مینماید اما شخص ثالث دیگری نیز حضور داشت که یکی از مدیران جراید با سابقه کشور است که در آن سفر بتهران سمت میزبانی این ناچیز را داشت که بحکم اخلاق مرضیه مهمان نوازی در این جلسه حضور بهرساند و محمد صادق ابراهیمی ضمن گفتار مبسوط خود خویش را رجعت کامله امام حسن مجتبی ع دانست میزبانم که در خانواده روحانیت تربیت یافته و پای بندامور مذهبی بود سخت به شگفتی فرورفت و بسیار ناراحت گردید ناچار بمعظم الیه توضیح دادم که در طریق تحقیق بایست دارای سعه صدر بوده و تحمل استماع اینگونه سخنان را نمود بلکه باید بدیده قبول شنید و پذیرفت تا به آسانی عقاید پنهانی خود را افشا نماید از ذکر نام این دوست دیرین معذوم امیداست خودوی باخواندن این مقاله شهادت خود را کتباً اعلام فرمایند ضمناً ناگفته نماند رجعت یکی از اصول عقاید بابیه بوده و متأسفانه کتبی که تاکنون درباره (بابیه . ازلی . بهائی . غصنی) تدوین یافته عقاید آنان کاملاً مورد بحث قرار نکرده است لذا وعده میدهد که تلخیص گفتار درباره شیخیه و بابیه و بهائی را نقل از کتاب (جنگ چهاردهی) که هنوز بطبع نرسیده است از نظر خوانندگان صاحب دل رسانده تا کمکی بپژوهندگان راه حق و حقیقت و جویندگان حقایق تاریخ ادیان گردد.

باتقدیم احترام - نورالدین مدرسی چهاردهی

خبر رسیده است <sup>صحت</sup> حدیثی که در این مورد نقل شده است که تا آنکه اسب رحمت بدو در کعبه برافزاید  
 دل خلیفه مشغول دیده ان بیاید که بعد خود را طلبکار و جوینده آن مریدان در دل خود ملاحظه  
 اذن در هر جزوه در ستایش با نماندند زیرا هر آنکه سیرا بر هر چه شدند هم طریقی نماند  
 بیشتر از مقصد و مقصود و رشود پناه میریم بخداوند از آنچه فرسندد و در آنچه رضای پسند  
 دوست از ساحت جودش با بخود لای در خجسته مینمایم -

۲ - رساله میرالمیرزا علاء بر آنکه جاب نثر در عریه است نفع آنهم گویا است  
 دایه اولانسخه مورد اعتماد پیدا کردن و از در آن هر قسم نبود چنانکه فرموده در نثر  
 دیگر تجیه کرد و این کار کویکول زمان توفیق است -

۳ - در نامه میرزا آقاخان دخی که اتمک لعل لیل سید از جمله کتابها است  
 شاید غیر مستقیم را ضرر بر کشان هم نرسد با توجه اینکه سید نوشته کتابها  
 البته با اعتماد و نیز آمان توفیق در دست در دست در کتاب (در مظهر شنیدم که در کتب  
 رابطه بیشتر هم با مال گفته بوده است هر گوهر که دست ساد لعل بود است خود  
 زینت مینامید - لیکن از جهت اینکه از آن بخوله دلداد بر ماند سید در آن مظهر  
 رسید از آن بخوله را که از این مضمون در هر جا هم و مقصد از آنکه نثر لا اقر قد شد  
 و اینکه یک مرتبه هم شفاعت نموده با آنکه خود در آن موقع مورد نظر با مال  
 پذیرفته هم نرسد تصور میکنم شفاعت نمودن در مرتبه دوم از شفاعت نخستین  
 عمل دیگر بوده باشد

۴ - گفتار نغزانی که در مضافات دولت آورده شده است بنظر میان بسیار  
 استدلال صاحبان آراء عقیدت بر سر میاراد که آنها همه با تامل و بیاض است نیز از  
 جواد شیراز را که اصدر مقصد از این کتاب میباشد در میان است  
 بیادرد و الا میان اینهمه صوفیان بیکویند با این خصصان شود خاصه با آنکه  
 سزید که فرقی که زبان با هم دارند و فقط بجز از آنان معتقد بودند و همچنین  
 که از این مضمون در ساحت سوا لکن نمانند و اظہار است و کلمه بای بر آن هم نظر بها

\* این نوشته محمد صادق ابراهیمی است که آقای عنایت نوری در شماره  
 اسفند ماه ۱۳۵۱ وجود آن را تردید کرده بودند و اکنون عیناً گراور  
 میشود .